

آغاز ادبیات تطبیقی در فرهنگستان زبان و ادب فارسی

ادبیات تطبیقی از اواخر قرن نوزدهم به عنوان رشته‌ای جدید وارد محیط‌های دانشگاهی دنیا شد. این رشته را می‌توان، به‌طور خیلی موجز، با سه «بین» تعریف کرد: بین‌زبانی، بین‌فرهنگی و بین‌رشته‌ای. ادبیات تطبیقی از زمان پیدایش تا حدود اواسط قرن بیستم بیشتر به مطالعات تطبیقی ادبیات ملی و قومی به زبان‌های مختلف گرایش داشت. از دهه شصت میلادی اولین زمره‌ها درباره کیفیت میان‌رشته‌ای ادبیات تطبیقی به گوش رسید و به تدریج این شاخه از دانش بشری وارد مرحله جدیدی از تحولات علمی خود شد. در طول سه دهه اخیر عرصه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی به‌صورت فزاینده‌ای گسترش یافته است به‌طوری که بسیاری از صاحب‌نظران آن را فلسفه و رویکرد جدیدی در ادبیات و در نقد ادبی به حساب می‌آورند. پیشگامان ادبیات تطبیقی نوین خیلی زود دریافتند که دوران تخصص‌گرایی افراطی و تمرکز بر یک رشته خاص پایان یافته و دنیا وارد مرحله جدیدی از دوران فکری خود گشته است. بار دیگر اندیشمندان جهان به این نتیجه رسیدند که زندگی امروزی شبکه پیچیده و درهم‌تنیده‌ای است که با توسل به یک علم خاص نمی‌توان تمام ابعاد آن را شناخت. بدین‌سان، رشته‌های میان‌رشته‌ای به‌سرعت در محیط‌های دانشگاهی شکل گرفت. ادبیات تطبیقی یکی از این رشته‌های میان‌رشته‌ای است که، از یک سو، به مثابه حلقه ارتباطی بین علوم انسانی، و از دیگر سو، بین علوم انسانی و سایر شاخه‌های دانش بشری عمل کرده است. این ویژگی منحصر به فرد ادبیات تطبیقی موجب گردیده که دانشگاه‌های بزرگ و معتبر — به‌خصوص در دو دهه اخیر — اقدام به راه‌اندازی گروه‌ها و مراکز تحقیقاتی و انجمن‌های علمی ادبیات تطبیقی در سراسر دنیا بنمایند. در ایران، در چند دهه اخیر، به ادبیات تطبیقی بی‌اعتنایی شده و به‌صورت جدی و اساسی مورد التفات سیاست‌گذاران نهادها و مراکز ادبی قرار نداشته است. فرهنگستان زبان و ادب فارسی با تأسیس گروه ادبیات تطبیقی در سال ۱۳۸۴ اولین قدم اساسی را در این راه برداشت و برنامه‌ای مدون برای انتشار مجله تخصصی در این زمینه و تدوین درس‌نامه‌های مورد نیاز تهیه گردید. آنچه هم‌اکنون پیش روی شماست بیانگر عزمی راسخ برای گسترش این رشته دانشگاهی و میان‌رشته‌ای در ایران است. اولین شماره نشریه تخصصی ادبیات تطبیقی

فعالاً به صورت ویژه‌نامه‌نامه فرهنگستان هر شش ماه یک‌بار منتشر خواهد شد. هدف اصلی این نشریه تبیین قلمرو این رشته و فراهم آوردن بسترهای علمی لازم برای رشد و گسترش آن در ایران است. مخاطبان این نشریه علاقه‌مندان مطالعات ادبی و میان‌رشته‌ای هستند که مایل‌اند به صورت روشمند و علمی با این رشته تحصیلی و این شاخه نوین از دانش بشری بیشتر آشنا شوند.

مجله ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی به چاپ مقالات پژوهشی و روشمند، و نیز گزارش‌ها و معرفی و نقد کتاب در قلمرو ادبیات تطبیقی اختصاص دارد و در کلیه زمینه‌ها مطلب می‌پذیرد، من جمله در موضوع روابط و تأثیرات ادبی، نهضت‌های ادبی، انواع ادبی، مضمون‌ها و مایه‌های ادبی، مطالعات ترجمه، ادبیات جهان، ادبیات و جهانی شدن، رابطه ادبیات با سایر شاخه‌های علوم انسانی — به خصوص سینما، نقاشی، عکاسی، موسیقی، علوم اجتماعی، مطالعات فرهنگی، فرهنگ عامیانه، فلسفه و مطالعات ادیان — و علوم دقیق و بررسی تحلیلی وضعیت ادبیات تطبیقی در کشورهای مختلف جهان، بسط و تبیین نظریه‌های جدید ادبیات تطبیقی، معرفی انجمن‌های علمی و همایش‌های ملی و بین‌المللی و نقد کتاب‌های ادبیات تطبیقی.

اولین مقاله این ویژه‌نامه به «ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران» می‌پردازد. و غرض از آن جلب توجه سیاست‌گذاران ادب و فرهنگ کشور به این رشته است. نویسنده مطلب خود را با مروری بر تاریخچه ادبیات تطبیقی در اروپا و ایران آغاز می‌کند و سپس به اصول نظری مکتب‌های عمده آن اشاره می‌نماید و با بررسی سیر تطور ادبیات تطبیقی از قرن نوزدهم تا عصر حاضر تلاش می‌کند تا تعریف نسبتاً جامع و کاملی از ادبیات تطبیقی به دست دهد و برخی از کج‌فهمی‌های رایج در این رشته را اصلاح کند. مقالات بعدی به ترتیب زمانی تنظیم گردیده‌اند. قهرمانی از تأثیرپذیری مولانا جلال‌الدین از دیوان متنبی سخن می‌گوید و نشان می‌دهد که مولوی برخی از ابیات و مصراع‌های دیوان متنبی را برگزیده و پس از تأویل به آنها رنگ تصوف بخشیده است. خنیاب‌نژاد در مقاله خود از علاقه مورس بارس، نویسنده فرانسوی نیمه اول قرن بیستم، به سعدی سخن می‌گوید. بارس، که در جستجوی آرامش و فراغ بال است، خسته از دنیای سیاست کمال مطلوب خود را در باغ‌های شیراز — در بوستان و گلستان

— می‌یابد. در این مقاله، نویسنده با ذکر شواهد و مستندات تاریخی تأثیرپذیری بارس از سعدی را به اثبات می‌رساند. نکوروح هم در مقاله خود «تأثیر غزل حافظ در دیوان شرقی-غربی گوته» را بررسی می‌کند و به‌طور اخص به رابطه طنز گوته با طنز حافظ می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه شاعر آلمانی از طنز حافظ برای بیان افکار و ذهنیات غربی خود استفاده کرده است. جوادی در مقاله خود احتمال می‌دهد که دهخدا در سرودن شعر معروف «به‌یاد آر» — با واسطه یا بی‌واسطه — تحت تأثیر شاعر رمانتیک فرانسوی، آلفرد دو موسه بوده است. آخرین مقاله به یکی از موضوعات جدید در حوزه پژوهش‌های ادبی، یعنی فضا و مکان، از دیدگاه تطبیقی می‌پردازد. در این مقاله، دادور تصویر شهر پاریس را — شهری زیبا که در آثار بسیاری از نویسندگان، شاعران و فیلم‌سازان فرانسوی و غیرفرانسوی حضور دارد — در آثار سه نویسنده ایرانی: گلی ترقی، رضا قاسمی و رضا قیصریه به‌صورتی روشمند بررسی می‌کند تا مشترکات و تفاوت‌های نگاه نویسندگانی فرانسوی و ایرانی را به این شهر نشان دهد. در بخش گزارش‌ها با انجمن بین‌المللی و چند همایش اخیر ادبیات تطبیقی، و در بخش معرفی و نقد کتاب، با چند کتاب عربی و انگلیسی در زمینه ادبیات تطبیقی آشنا می‌شویم.

امیدواریم مجله ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی راه را برای علاقه‌مندان این رشته بگشاید. این مجله ضمن دعوت از پژوهشگران پیش‌کسوت برای همکاری، از پژوهشگران جوان نیز حمایت می‌کند. بی‌تردید، انتشار این ویژه‌نامه آغاز راه است، راهی که می‌دانیم پیمودن آن آسان نخواهد بود، ولی در صورت استمرار و تلاش و همراه با شور و علاقه، ما را به تدریج به مقصد نزدیک خواهد ساخت. در این راه پیشنهادها و انتقادات خوانندگان کارساز و راهگشا خواهد بود.

علی‌رضا انوشیروانی